«ایران» مفاد تفاهم ۲۵ خرداد میان ایران و آمریکا را بررسی می کند

پایان تقابل نظامی، ورود به مرحله رفع تحریم

گزارش

ایران و آمریکا دستیابی به یادداشت تفاهمی را که ۲۵ خرداد به آن دست یافتند و قرار است جمعه با حضور محمدباقر قالیباف و جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به صورت مکتوب امضا شود، در شرایطی اعلام کرده‌اند که این توافق عملاً به‌عنوان چارچوب خاتمه جنگ میان دو طرف و توقف درگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم در منطقه تعریف شده است. به گزارش «ایران»، این تفاهم که از بامداد دوشنبه گذشته نهایی شده و اکنون در آستانه رسمی شدن قرار دارد، در اولین و شاید بنیادی‌ترین بند خود به پایان کامل جنگ و عملیات نظامی آمریکا و متحدانش علیه ایران در تمامی جبهه‌ها اشاره می‌کند. از جمله توقف درگیری‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در لبنان و برخی دیگر از نقاط منطقه جریان داشت. این بند در امتداد خود به تعهد دو طرف برای بازگشت به اصل احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یکدیگر گره می‌خورد که بر اساس آن، توسل به زور کنار گذاشته شده و هرگونه مداخله در امور داخلی طرف مقابل ممنوع اعلام می‌شود. در ادامه این چارچوب متقابلاً آمریکا متعهد شده است که محاصره دریایی علیه ایران را پایان دهد. بر اساس این اقدام که بلافاصله با بند دیگری پیوند می‌خورد، نیروهای نظامی ایالات متحده از محیط پیرامونی ایران فاصله خواهند گرفت و آرایش نظامی منطقه‌ای واشنگتن دستخوش تغییر خواهد شد. در سوی مقابل، ایران نیز تعهد داده است که برای بازگشایی تنگه هرمز و تضمین تردد ایمن در این گذرگاه راهبردی تدابیر لازم را با همکاری عمان اتخاذ کند؛ موضوعی که در ادامه به طراحی سازوکاری گسترده‌تر برای مدیریت تردد کشتیرانی در تنگه هرمز با مشارکت عمان و کشورهای منطقه منتهی می‌شود. ایران در بخش دیگری از این یادداشت تفاهم تعهد کرده است که مسیر عدم تولید یا خرید تسلیحات اتمی را همچنان حفظ کند که این بند در پیوند مستقیم با تعهد آمریکا برای رفع تمامی تحریم‌های یکجانبه و تحریم های هسته ای در موضوع شورای امنیت علیه ایران قرار گرفته است. در کنار این موارد، آزادسازی وجوه و دارایی‌های مسدودشده یا محدودشده ایران نیز به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی توافق مطرح شده است که در امتداد آن، یک سازوکار اجرایی برای نظارت بر اجرای تمامی مفاد یادداشت تفاهم پیش‌بینی شده و روند اجرا از مرحله توافق سیاسی به مرحله پایبندی عملی منتقل شود. این مجموعه تفاهمات زمانی رسمیت کامل خواهد یافت که بر اساس متن یادداشت تفاهم، توافق نهایی در قالب یک قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز مورد تأیید قرار گیرد تا به عنوان سازوکاری رسمی به این چارچوب سیاسی-امنیتی، جنبه حقوقی بین‌المللی بخشد و مسیر اجرای آن را در سطح نظام بین‌الملل تثبیت کند.

> ایران در این یادداشت تفاهم تعهد کرده است که مسیر عدم تولید یا خرید تسلیحات اتمی را همچنان حفظ کند که این بند در پیوند مستقیم با تعهد آمریکا برای رفع تمامی تحریم‌های یکجانبه و تحریم های هسته ای در موضوع شورای امنیت علیه ایران قرار گرفته است.
> دو طرف همزمان توافق کرده‌اند که بلافاصله پس از امضای این یادداشت تفاهم، مذاکرات رسمی درباره دو محور اصلی یعنی پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌ها آغاز شود؛ به گونه‌ای که فاصله‌ای میان توقف جنگ و ورود به گفت‌وگوهای فنی باقی نماند

حمایت پکن و مسکو از توافق

همزمان با اعلام تفاهم ایران و آمریکا، رایزنی‌های دیپلماتیک سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه با همتایان خارجی خود ادامه دارد و محور اصلی این گفت‌وگوها، بررسی ابعاد توافق و تضمین اجرای آن عنوان شده است. در همین چارچوب، عراقچی در گفت‌وگویی با «وانگ یی» وزیر امور خارجه چین با تشریح آخرین وضعیت تفاهم تأکید کرده است که مسئولیت حسن اجرای مفاد این توافق بر عهده ایالات متحده قرار دارد؛ موضوعی که نشان‌دهنده تلاش تهران برای تثبیت چارچوب‌های اجرایی و جلوگیری از تفسیرهای یک‌جانبه در روند اجرای توافق است. همزمان، «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه نیز در گفت‌وگویی جداگانه با وزیر خارجه کشورمان با استقبال از نهایی شدن متن یادداشت تفاهم میان ایران و آمریکا بر حمایت کامل مسکو از اجرای دقیق مفاد آن تأکید کرده است.

عراقچی در ادامه این رایزنی‌ها با «سید بدر البوسعیدی»، وزیر امور خارجه عمان نیز گفت‌وگو کرده است. مسقط در سال‌های اخیر نقش میانجیگر و تسهیل‌کننده را در برخی مذاکرات ایران و آمریکا ایفا کرده و همچنان در روندهای دیپلماتیک مرتبط با این پرونده به‌ویژه در مساله مدیریت تنگه هرمز فعال است. مجموع این رایزنی‌ها نشان می‌دهد که همزمان با پیشرفت تهران و واشنگتن برای نهایی‌کردن تفاهم، گفت‌وگوهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای تقویت، تضمین و مدیریت پیامدهای آن در حال گسترش است و بازیگران مهمی چون چین، روسیه و عمان نیز در این روند نقش‌آفرینی می‌کنند.

اعتراف ترامپ به هزینه جهانی جنگ

در پی اعلام تفاهم ایران و آمریکا مجموعه‌ای از مواضع تازه از سوی مقام‌های آمریکایی و منطقه‌ای منتشر شده که در آن پیامدهای اقتصادی ادامه احتمالی جنگ و وجود اختلاف‌نظرها در شکل‌گیری مسیر جدید یادآوری می‌شود؛ مواضعی که همزمان اصرار اسرائیل برای ادامه درگیری را نیز زیر سؤال می‌برد.

در همین چارچوب ترامپ در توضیح این توافق گفته است: «گزینه دیگر توافق، وقوع یک رکود یا بحران اقتصادی جهانی بود»؛ او سپس افزوده: «افراد احمق می‌خواهند یک رکود جهانی رخ دهد». این نگاه در مواضع تازه «ونس» نیز بازتاب یافته است. او با انتقاد از جریان‌هایی که خواهان تداوم بمباران هستند، گفته است این افراد بدون توجه به آثار اقتصادی و تبعات بین‌المللی صرفاً بر ادامه جنگ تأکید دارند، در حالی که به ادعای او هدف دولت ترامپ نه ایجاد رنج برای مردم ایران که جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای است.

در سطح منطقه‌ای نیز هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه نیز با اشاره به روند مذاکرات تأکید کرده است که رئیس‌جمهوری آمریکا به اعتراضات اسرائیل در این پرونده توجهی نکرده است. به گفته او، این امر در کنار پاسخ مثبت ایران به مذاکره مسیر رسیدن به توافق را هموار کرده است.

تغییر سنگر به اقتصاد

برش

در حالی که روند گفت‌وگوهای اخیر ایران و آمریکا با مدیریت مستقیم محمدباقر قالیباف به‌عنوان رئیس هیأت مذاکره‌کننده وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شده است، او در نشست اتاق بازرگانی تصویری از اولویت‌های جدید این مرحله ترسیم کرد که به گفته او بیش از هر چیز بر معیشت مردم و عبور از فشارهای اقتصادی متمرکز است. قالیباف در این نشست با تأکید بر تغییر میدان اصلی تمرکز کشور گفت: «امروز باید سنگر را از بچه‌های پای لانچر تحویل بگیریم، بایستیم و این مردم را از زیر فشار اقتصادی دربیاوریم. بایستیم زندگی مردم را بسازیم.» این تعبیر قالیباف که نقش او در پیوند دادن مسیر مذاکرات خارجی با الزامات اقتصادی داخلی را برجسته‌تر می‌کند. او در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تجربه ایران در مواجهه با تحریم‌ها تصریح کرد که از جمله مدیرانی نیست که تحریم را «کاغذپاره» بداند اما در عین حال یادآور شد که کشور در ابتدای دهه ۸۰ تجربه رشد اقتصادی ۱۲ درصدی در بخش صنعت را پشت سر گذاشته و ظرفیت‌های مشابه همچنان قابل احیاست.

تاب‌آوری ایران در بستر حافظه تاریخی و هویت تمدنی

یادداشت

علی صالحیان
مدیرگروه بین‌الملل
اندیشکده حکمرانی شریف

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در چهارراه آسیای مرکزی و غرب آسیا همواره بازیگری راهبردی در تحولات منطقه‌ای و جهانی بوده است. دسترسی به مسیرهای مهم تجاری و منابع غنی طبیعی، به‌ویژه نفت، جایگاه ویژه‌ای به این کشور بخشیده و توجه قدرت‌های بزرگ را برانگیخته است. ایرانِ تاریخی یا پرشیا یکی از مهم‌ترین کانون‌های جاده ابریشم بود که علاوه بر تجارت، زمینه تبادل فرهنگی، سیاسی و فناورانه میان تمدن‌ها را فراهم می‌کرد. درک ایران به‌عنوان یک تمدن تاریخی زنده، فراتر از چارچوب دولت-ملت از عوامل اصلی پایداری و تاب‌آوری ملی ایرانیان در طول تاریخ است. ایران به دلیل موقعیت راهبردی خود در چهارراه جهان، همواره هدف قدرت‌های بزرگ بوده اما برخلاف بسیاری از کشورهای غیراروپایی، استقلال و تمامیت ارضی خود را حفظ کرده است.

مطالعات استعمار دو دسته عامل را برای مستعمره نشدن کشورها مطرح می‌کنند: عوامل درونی و عوامل بیرونی. عوامل درونی شامل نقش رهبران و جوامع در مقاومت نظامی، دیپلماسی، امتیازدهی هوشمندانه، تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی است؛ نمونه‌های آن تایلند و ژاپن هستند. عوامل بیرونی نیز شامل رقابت قدرت‌های امپراطوری، موقعیت ژئوپلتیکی، موانع جغرافیایی، هزینه‌های اقتصادی، محدودیت‌های فناورانه، هنجارهای بین‌المللی و گسترش احساسات ضد استعماری است که استعمار را دشوار می‌کرد.

عوامل داخلی

تمدن ایرانی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هویت ملی، انسجام اجتماعی و تاب‌آوری ایران در طول تاریخ بوده است. این تمدن با وجود تهاجمات و مداخلات خارجی از سوی رومیان، اعراب، ترک‌ها، مغولان و دیگر قدرت‌ها، توانسته هویت و یکپارچگی خود را حفظ و بازسازی کند. تجربه‌های تاریخی از حمله اسکندر تا جنگ ایران و عراق، حس غرور ملی، تعلق به میراث تمدنی و آمادگی برای دفاع از استقلال و عزت کشور را در میان ایرانیان تقویت کرده است. همچنین ویژگی مهم تمدن ایرانی، توانایی جذب و هضم عناصر خارجی بدون از دست دادن هویت خود بوده است.

زبان فارسی، ادبیات و سنت‌های فرهنگی از ارکان اصلی این تداوم تاریخی به شمار می‌روند. آثار فردوسی، سعدی و حافظ با ترویج مفاهیمی چون میهن‌دوستی، ظلم‌ستیزی، فداکاری و استقامت، همبستگی ملی و اعتماد به نفس فرهنگی را تقویت کرده‌اند. در کنار این میراث تمدنی، مذهب تشیع نیز نقش بنیادینی در تحکیم هویت ایرانی داشته است. رسمیت یافتن تشیع در دوره صفویه به ایجاد آرمان‌ها و خواسته‌های مشترک در میان ایرانیان و تقویت انسجام ملی انجامید. آموزه‌های مذهب تشیع با تأکید بر عزت، مقاومت و ترجیح کرامت بر تسلیم، فرهنگ ایستادگی را نهادینه کرده‌اند. پیوند میان تمدن کهن ایرانی و باورهای شیعی هویتی ایرانی- اسلامی پدید آورده که از ظرفیت بالایی برای مقاومت، همبستگی و تاب‌آوری در برابر بحران‌ها برخوردار است.

عوامل خارجی

ایران در نگاه بریتانیا از قرن نوزدهم به بعد کشوری حائل برای حفاظت از منافع استعماری این کشور به‌ویژه در هند محسوب می‌شد. به همین دلیل، بریتانیا در کنار روسیه به رقابت برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در ایران پرداخت؛ رقابتی که در دوره قاجار و پس از انقلاب مشروطه به اوج رسید. روسیه در پی دسترسی به خلیج فارس و هند بود و بریتانیا نیز می‌کوشید موقعیت خود را در هند و خلیج فارس حفظ کند. این رقابت به تضعیف دولت مرکزی ایران و گسترش نفوذ خارجی انجامید.

اوج این روند در قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس نمایان شد که ایران را به سه منطقه نفوذ تقسیم کرد: شمال تحت نفوذ روسیه، جنوب تحت نفوذ بریتانیا و منطقه‌ای بی‌طرف در مرکز. با وجود تحکیم نفوذ خارجی، همین رقابت مانع از آن شد که ایران به مستعمره رسمی یکی از دو قدرت تبدیل شود و به حفظ استقلال ظاهری کشور کمک کرد. نمونه دیگری از تأثیر رقابت قدرت‌های بزرگ بر حفظ تمامیت ایران، بحران پس از جنگ جهانی دوم بود. پس از اشغال ایران توسط شوروی و بریتانیا در سال ۱۹۴۱، شوروی برخلاف تعهدات خود از خروج نیروهایش خودداری کرد. اما فشار دیپلماتیک ایالات متحده، شکایت به شورای امنیت و مذاکرات دولت ایران به رهبری احمد قوام سرانجام شوروی را وادار به عقب‌نشینی کرد و تا مه ۱۹۴۶ تمامی نیروهای این کشور خاک ایران را ترک کردند.

در ذهنیت تمدنی ایرانی، مقاومت در برابر سلطه خارجی صرفاً یک انتخاب سیاسی نیست؛ یک وظیفه اخلاقی و تاریخی است که نه تنها این ارزش ستایش می‌شود، بلکه ظرفیت ملی و جمعی برای پرداخت هزینه حول این ارزش نیز ارتقا می‌یابد. به همین دلیل، مسأله استقلال در ایران همواره معنایی فراتر از سیاست روزمره داشته است. از جنبش تنباکو تا نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی، مفهوم «استقلال» در ایران همواره با نوعی حساسیت عمیق تاریخی همراه بوده است. این حساسیت را نمی‌توان فقط با اقتصاد یا رقابت قدرت‌ها توضیح داد. برای بخش بزرگی از جامعه ایران، وابستگی به قدرت خارجی به ویژه با عنایت به تجربه‌هایی مانند خیانت های انگلیس و روسیه و کودتای ۲۸ مرداد، معادل از دست دادن هویت تاریخی تلقی شده است.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را می‌توان در امتداد سنت تاریخی استقلال‌طلبی و مقابله با سلطه خارجی در ایران فهم کرد. شعار «نه شرقی، نه غربی» بازتاب تجربه تاریخی ایرانیان از مداخلات خارجی و تلاشی برای بازیابی استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و هویتی بود. مذهب تشیع و مناسک جمعی آن نیز در شکل‌دهی هویت مشترک و تقویت مقاومت در برابر سلطه خارجی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در این میان، واقعه عاشورا و شهادت امام حسین(ع) به عنوان نماد مبارزه با ظلم، جایگاهی محوری در فرهنگ سیاسی شیعه دارد و هر ساله مفاهیم عدالت‌خواهی و مقاومت را بازتولید می‌کند. همچنین روحانیت شیعه در مقاطع مختلف تاریخی با مداخلات خارجی مقابله کرده است؛ از فتوای جهاد سیدمحمدکاظم طباطبایی و سیدعبدالحسین لاری علیه اشغالگران انگلیسی در عراق و لارستان ایران تا فتاوای تحریم کالاهای خارجی و نهضت تنباکو. این سنت مذهبی، مقاومت در برابر سلطه سیاسی و اقتصادی را به بخشی از هویت جمعی ایرانیان و شیعیان تبدیل کرده است.

> با در نظر گرفتن «استراتژی کارگزارمحور» یا «محدودیت‌های بیرونی» هر دو دسته از عوامل عدم استعمار را می‌توان در مورد ایران شناسایی کرد. دسته اول به خوبی با عوامل داخلی همخوانی دارد؛ عواملی که حاکمیت و ملیت ایران را در قرون گذشته تا حد زیادی تاب‌آور و نفوذناپذیر در برابر قدرت‌های بین‌المللی ساخته است. با این حال، این تاب‌آوری و نفوذناپذیری لزوماً به معنای انزوا نبوده است. برعکس، ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، همواره در چهارراه مسیرهای تجاری و تعاملات تمدنی قرار داشته است

ویژگی‌های محیطی

موقعیت جغرافیایی ایران نقشی کلیدی دارد، چرا که با هفت کشور مرز زمینی دارد و در امتداد آبراه‌های حیاتی مانند دریای خزر و خلیج فارس دارای خطوط ساحلی است. این موقعیت، ایران را در چهارراه مسیرهای تجاری بزرگ قرار می‌دهد و اهمیت ژئوپلتیک آن را به‌ویژه در رابطه با انتقال نفت از طریق تنگه هرمز- که یک گلوگاه حیاتی برای محموله‌های نفتی جهانی است- دوچندان می‌کند.

با وجود چنین مزیت جغرافیایی استراتژیکی، به‌ویژه از منظر تجاری، این موقعیت اشتیاق شدیدی را نیز در قدرت‌های بین‌المللی برای مداخله ایجاد کرده است. با این حال، با در نظر گرفتن مساحت، ویژگی‌های جغرافیایی و موقعیت حساس ایران برای منافع استراتژیک همه ابرقدرت‌ها، قلمرو ایران به هیچ وجه هدفی ساده و به‌راحتی قابل دسترس برای هیچ شکلی از اشغال یک‌جانبه و استعمار کلاسیک نبوده است. به تعبیری دیگر ایران به قدری بزرگ و مهم از جهت دسترسی و انرژی دارد که قدرت‌ها اجازه نمی‌دادند این امتیاز به قدرت دیگری برسد.

نفوذ ناپذیر در برابر قدرت‌های بین‌المللی

با در نظر گرفتن «استراتژی کارگزارمحور» یا «محدودیت‌های بیرونی» هر دو دسته از عوامل عدم استعمار را می‌توان در مورد ایران شناسایی کرد. دسته اول به خوبی با عوامل داخلی همخوانی دارد؛ عواملی که حاکمیت و ملیت ایران را در قرون گذشته تا حد زیادی تاب‌آور و نفوذناپذیر در برابر قدرت‌های بین‌المللی ساخته است. با این حال، این تاب‌آوری و نفوذناپذیری لزوماً به معنای انزوا نبوده است. برعکس، ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، همواره در چهارراه مسیرهای تجاری و تعاملات تمدنی قرار داشته است. با این حال، عواملی وجود دارند که هویت ملی ایران را تقویت کرده و حاکمیت ارضی آن را حفظ نموده‌اند. تمدن تاریخی که با میراث فرهنگی غنی و انعطاف‌پذیر مشخص می‌شود، زبان و ادبیات فارسی تاب‌آور و تشیع به عنوان یک عامل هماهنگ‌کننده و متحدکننده اجتماعی از جمله عوامل داخلی هستند که ایران را از تسلیم شدن یا اشغال اجتماعی مصون داشته‌اند. علاوه بر این، مکتب انقلابی‌گری تشیع که برآمده از تاریخ سیاسی، سنت، مناسک و مرجعیت تشیع است، تاب‌آوری سیاسی قدرتمندی را در برابر هرگونه استعمار سیاسی فراهم کرده است. چارچوب «محدودیت‌های بیرونی» در قالب وضعیت کشور حائل و موانع جغرافیایی نیز تبیین‌های درخوری را در مورد ایران ارائه می‌دهد. از یک سو، موقعیت ژئوپلتیک استراتژیک ایران منجر به نقش ناگزیر آن به عنوان یک کشور حائل میان ابرقدرت‌ها شد که بر پایه رقابت و هم‌چشمی آنها برای مهار نفوذ طرف مقابل بر قلمرو ایران شکل گرفته بود. این نقش توازن‌بخش در نهایت کشور را از تبدیل شدن به یک هدف استعماری یک‌جانبه و آسان حفظ کرد. از سوی دیگر، استقلال ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک و تنوع جغرافیای آن، تاب‌آوری بیشتری یافت و کل این قلمرو را به هدفی دشوار برای اشغال فیزیکی و استعمار تبدیل نمود. در نهایت، شاید مهم‌ترین نکته درباره ایران این باشد که این کشور را نمی‌توان فقط با الگوهای متعارف دولت-ملت مدرن فهمید. ایران چیزی فراتر از یک واحد سیاسی است. ایران شبکه‌ای از حافظه تاریخی، زبان، مذهب، جغرافیا، اسطوره و تجربه مشترک است که طی قرن‌ها روی هم انباشته شده‌اند و هویتی مستقل و عزتمند را پیگیری می‌نماید. همین لایه‌های عمیق تمدنی باعث شده‌اند که ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، حتی پس از ضربات سخت نیز فرو نریزد. بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی ایران را نمی‌توان بدون فهم این حافظه تاریخی توضیح داد. از همین رو است که فردی با سطح فهم ترامپ و تیمش، قبل از حملات اخیر اذعان به نافهمی ایرانیان می کند. حساسیت شدید نسبت به مداخله خارجی، تأکید مداوم بر استقلال سیاسی و مقاومت در برابر نظم‌های تحمیلی جهانی، ریشه در همین تجربه تاریخی دارد. حتی زمانی که این رویکرد هزینه‌های سنگین اقتصادی و سیاسی ایجاد می‌کند، همچنان بخشی از جامعه و ساختار سیاسی ایران آن را ضروری می‌دانند، زیرا استقلال در ایران صرفاً یک مفهوم سیاسی نیست؛ بخشی از هویت تاریخی کشور است. که حول آن تجربیات گوناگونی داشته و آن تجربه زنده به معنای واقعی کلمه است. تحولات یک سال اخیر و پدیده جمع شدن دور یک پرچم که در هر دو جنگ تحمیلی اخیر شاهد بروز و ظهور سخت‌ترین تنش‌های اجتماعی و دوقطبی کننده بودیم، نشان داد ملت ایران به واسطه میراثی که تمدن آن برایش باقی گذاشته است، در برابر دشمن خارجی متحد است، توانایی جذب ضربه را دارد و نهایتاً، عزتمندی و افتخارش برایش ارزشی است که حاضر است برای آن هزینه بپردازد.